

جایگاه رهبری و مجمع تشخیص نبود. اما در سند چشم‌انداز تمام ارگان‌ها وجود داشتند و با همپوشانی که میان آنان اتفاق می‌افتاد، برنامه نهایی استخراج می‌شد. من این ادعا را دارم که از سال ۱۳۸۲ که این برنامه آمد، تا امروز، آن اندازه که رهبری در برنامه چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامه چهارم وقت گذاشتند، در هیچ زمان دیگری وقت نگذاشتند. بنابراین در این ایده که لازم و نیاز شرایط کشور بود همه مشارکت داشتند.

◀ شما برای اولین بار از طریق نامه به دفتر رهبر انقلاب ضرورت داشتن سند چشم‌انداز را مطرح کردید؟ چگونه سازمان برنامه این ضرورت را در ارکان قدرت مطرح کرد؟

ما در سازمان برنامه گروهی به نام کارگروه برنامه داشتیم. در این کارگروه پیروزی‌ها و ناکامی‌های برنامه قبلی را تحلیل می‌کردیم. جمع‌بندی ما این بود که مهم‌ترین عامل ناکامی‌ها و اجرا نشدن برنامه‌ها این بود که برنامه در باور نظام حکمرانی قرار نمی‌گرفت. بنابراین مسأله این بود که چکار کنیم تا برنامه در باور نظام اجرایی قرار بگیرد؟ باید می‌دیدیم که در عمل چه اندازه عمل‌ها با خود برنامه متفاوت است. در آن مقطع این موضوع ما بود و به یاد دارم که آن زمان یعنی سال ۱۳۸۲ اتفاقاً با اقبال خوبی هم مواجه نشدیم. وقتی پیش آقای خاتمی و دولت رفتیم، ایشان گفتند ما دو لایحه مهم به مجلس دادیم، یکی حدود و ثغور عمل و جایگاه رئیس‌جمهوری و دیگری هم لایحه مطبوعات و انتخابات. می‌دانید که رئیس‌جمهوری در سال ۱۳۸۲ یک لایحه مهم داده بود که مجلس مشخص کند وظیفه من چیست. وقتی رئیس‌جمهوری می‌گوید من وظایفم مشخص نیست، بنابراین وقتی من برنامه‌ای به اسم سند چشم‌انداز بنویسم، قطعاً استقبال نمی‌شود. آقای خاتمی معتقد بودند این بحث‌ها یعنی سند چشم‌انداز برای زمانی است که وظایف رئیس‌جمهوری مشخص باشد. از آن طرف هم پایان عمر مجلس ششم بود. با این ملاحظات به من گفتند تو برای چه کسی می‌خواهی برنامه بنویسی؟ گفتم این برنامه برای فرد نیست، برای کرسی‌ها، صندلی‌ها، سمت‌ها و نهادهای مختلف است. در یکی از جلسات به آقای خاتمی پیشنهاد شد که همان برنامه سوم تمدید شود که به نظر ما ممکن نبود، زیرا در این صورت برنامه اجرا نمی‌شد و وقتی یک برنامه تمدید شود، یعنی عملاً برنامه‌ای برای کشور نیست. من توضیح دادم که

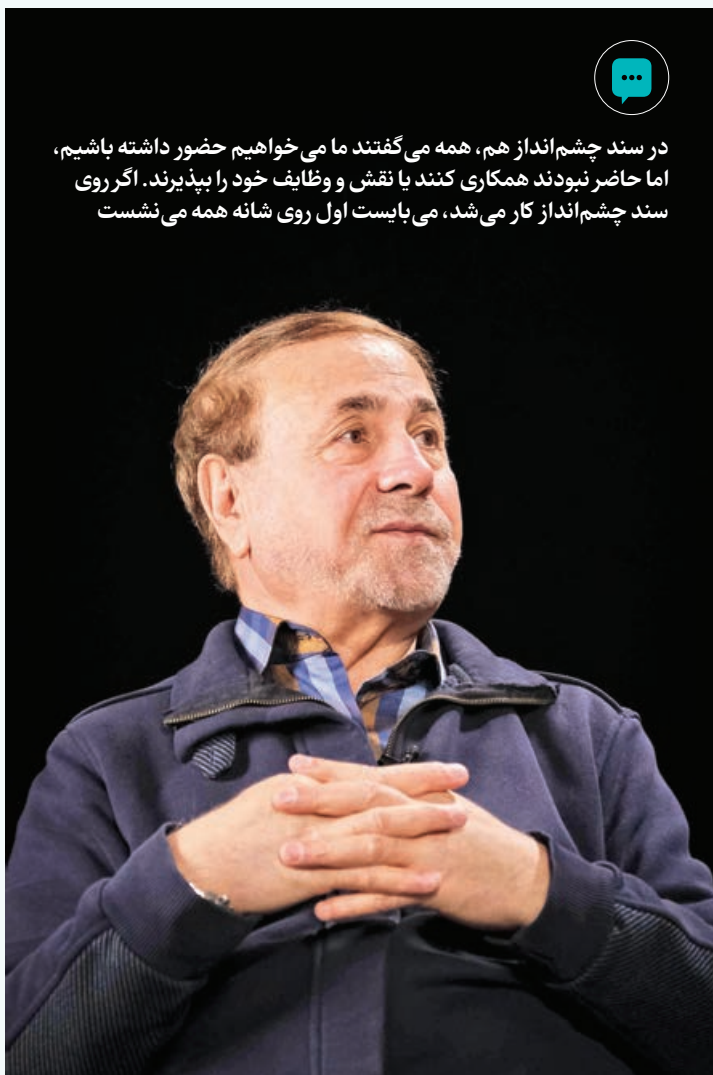
ما برای صندلی‌ها، نهادها، مسئولیت‌ها و حکومت برنامه می‌دهیم، نه افراد. آنجا تأکید شد که این حرف درست است و کار را ادامه بدهید. بعد از این جلسه بود که یک پاورپوینت آماده کردم و توضیح دادم که از نظر گردش کار و تنظیم، این سند با برنامه‌های قبلی متفاوت است. ما می‌خواهیم کلیات نظام حکمرانی کشور را به صورت یک منظومه و سپهر تنظیم کنیم. گفتم نظام اجرایی باید منظومه باشد و وزارتخانه‌ها با همدیگر همکاری و همپوشانی داشته باشند و همگرایی ایجاد شود. اگر ما همه اینها را به سمت یک هدف هماهنگ کردیم، در این صورت سپهر توسعه و چشم‌انداز کشور شکل می‌گیرد. این سند یعنی سند چشم‌انداز، گامی برای ترسیم سپهر چشم‌انداز برای ملت و منظومه آن هم برای دولت بود.

◀ نوشتن این سند چه سالی آغاز شد؟  
سال ۱۳۸۱ شروع شد و تا اواخر سال با قاطعیت پیش می‌رفت و از سال ۱۳۸۲

عملاً سازمان برنامه تعامل خود را با دولت و دیگر نهادها شروع کرد.

◀ مجمع تشخیص، مجلس و رسانه‌ها چه واکنشی داشتند؟ مخالفت‌ها به چه صورت بود؟

اساساً برنامه دعوت به خوبی‌هاست. وقتی به خوبی دعوت می‌کنیم، کسی مخالفت نمی‌کند. اما در مضامین، مخالفت‌ها مطرح می‌شود و در آنجا مخالفت‌ها زیاد بود. اما در تنظیم چشم‌انداز همه موافقت بودند. سند چشم‌انداز تدوین شده بود و از رهبری یک نامه به آقای خاتمی نوشتند و از ایشان به دلیل تلاش سازمان برنامه تشکر کردند براساس دستور رهبری و موافقت آقای خاتمی من به مجمع تشخیص رفتم. در مجمع این بحث مطرح شد و بعدها در رسانه‌ها مطرح کردند که آنچه الان در دستور کار است، کار مشترک مجمع و دولت است. بعداً که به دلیل قید فوریتی، مجمع هر هفته جلسه داشت، آقای خاتمی



در سند چشم‌انداز هم، همه می‌گفتند ما می‌خواهیم حضور داشته باشیم، اما حاضر نبودند همکاری کنند یا نقش و وظایف خود را بپذیرند. اگر روی سند چشم‌انداز کار می‌شد، می‌بایست اول روی شانه همه می‌نشست